



Woman in Development and Politics

A study of lived experiences of female students from girlhood (case A study of female students of Alborz Farhangian University)

Mahmoud Mohammadi 

Department of Humanities and Social Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: m.mohamadi@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 18 July 2022

Received in revised form: 14

September 2022

Accepted: 1 October 2022

Published online: 21 March
2023

Keywords:

Girlhood,
Lived Experience,
Phenomenology,
Girl Student
Gender.

ABSTRACT

Increasing the level of education of women and girls, increasing the level of employment and economic activities, as well as the presence in the virtual space and membership in social networks, has led to women's rethinking of gender roles. This change in attitude and feeling has led to their more active presence in the public sphere. They want to gain more power than in the past and play a more important role in redefining and rebuilding society. This tendency of girls to be present in public spaces and activism in social, educational, economic, and political fields is a sign of changes in girls' perception of the role of femininity and girlhood in society. The purpose of this article is to represent the lived experiences and perceptions of Farhangian University female students about girlhood. In this way, this article answers this question: How are lived experiences of female students of Farhangian University about girlhood?

This research is qualitative and describes and analyzes students' lived experiences of girlhood. The phenomenological approach is a suitable method for investigating people's lived experiences. The sample of research in this article is female students of Alborz Farhangian University. Based on this, the lived experiences of 22 students were collected. The age of the participants was between 20 and 23 years and all the students were female. The data collection method is a semi-structured interview. Students answered three general questions.

1- How do you describe being a girl?

2- What issues and problems have you faced due to being a girl?

3- How do you feel and understand the general perception (society, family, acquaintances, etc.) of girlhood?

After collecting the interviews, data analysis began. The data analysis method is thematic analysis. Narratives of the investigated samples of girlhood were categorized into 3 main themes: characteristics of girlhood, problems of girlhood, and agency of girlhood.

1- Characteristics of girlhood: Most of the examined samples highlighted the emotional characteristics and emotional behaviors of girls and emphasized the importance of feelings and emotions in the lives of girls. The studied samples have expressed the feeling of security and peace and the need for affection and attention as the basic needs of girls. Also, the investigated samples listed girls as having emotional characteristics such as patience, sadness, and kindness.

2- Problems of girlhood: The studied samples have expressed the problems of girls in society in three categories: restriction and deprivation, injustice and discrimination, and social misconceptions towards girls. The feeling of restriction and deprivation in the family, social, cultural, and economic spheres for girls is one of the most important problems that the majority of students have mentioned in their experiences. They have stated that they have faced family, social, cultural, and economic deprivations and restrictions in their everyday experiences. Also, the feeling of injustice and discrimination has been repeated in most of the examined samples. Almost all the examined samples have implicitly and openly pointed out that they have faced injustice and discrimination in social life. Also, the investigated samples were dissatisfied with some social misconceptions that are common about girls and protested against them. They have stated in their experiences that many people in society see girls and women as the second sex that needs care and control. Also, they think that women and girls are weak and incomplete so they are dependent on men and they cannot manage

their lives without men. These social perceptions towards women and girls strongly cause deprivation and restrictions for girls and provide the necessary grounds and justifications for injustice and discrimination against girls.

3- the agency of girlhood: Examining the lived experiences of student girls shows that they are dissatisfied with some common misconceptions about girls and are looking for active agency and activism in the public and social sphere. The studied students were strongly seeking to change and correct social misconceptions about girls by intervening in society and showing their capabilities and talents.

Half of society is made up of women and girls. One of the methods that help to understand and recognize women's society is to examine the perceptions of femininity and girlhood in the society of women and girls. The results of this research show that girls' perceptions about the roles of femininity and girlhood in society have changed. This change in perception of girlhood has led to their tendency to be more present in public spaces and they want to be active in institutions and areas that determine their social fate in society.

Cite this article: Mohammadi, M. (2023). A study of lived experiences of female students from girlhood (A case study of female students of Alborz Farhangian University). *Women in Development and Politics*, 21(1), 113-137. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.345930.1008233>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.345930.1008233>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

بررسی تجربیات زیسته دختران دانشجویان از دخترانگی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان البرز)

محمود محمدی

گروه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران. رایانامه: m.mohamadi@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	ادراک و تجربه از جنسیت به مثابه الگوی تثبیت شده می تواند در کنش های اجتماعی و تربیتی افراد نقش مهمی داشته باشد. این مقاله به بررسی تجربیات زیسته دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از دخترانگی می پردازد. روش پژوهش، کیفی و رویکرد آن پدیدارشناسی است. نمونه های مورد بررسی ۲۲ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان هستند. تعداد نمونه ها براساس اصل اشباع نظری تعیین شد. جمع آوری داده ها نیز به روش مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. روش تحلیل داده ها، روش تحلیل مضمون است. پس از جمع آوری داده ها، روایت های دانشجویان از دخترانگی کدگذاری و مقوله بندی شدند. پس از کدگذاری، شش مقوله و سه مضمون اصلی استخراج شدند. مضامین اصلی استخراج شده شامل ویژگی های دخترانگی، مسائل دخترانگی و عاملیت دخترانگی است. بررسی تجربیات زیسته دختران نشان می دهد اگرچه نمونه های بررسی شده برخی از ویژگی های احساسی و رفتاری مرسوم دخترانگی را بازتولید می کنند، روایت های دانشجویان از دخترانگی نشان می دهد آن ها به دلیل دختر بودن با محدودیت ها و محرومیت هایی در جامعه مواجه هستند. همچنین آن ها در زندگی اجتماعی و روزمره احساس بی عدالتی و تبعیض می کنند. دانشجویان مورد بررسی از تصورات غلط اجتماعی که نسبت به دختران وجود دارد ناراضی اند و خواستار عاملیت و کنشگری بیشتر دختران در جامعه هستند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱	
کلیدواژه ها:	
پدیدارشناسی، تجربه زیسته، جنسیت، دخترانگی، دختران دانشجوی.	

استناد: محمدی، محمود (۱۴۰۲). بررسی تجربیات زیسته دختران دانشجویان از دخترانگی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان البرز). زن در توسعه و سیاست، ۱۱۳-۱۲۷.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.345930.1008233>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

دختران ایرانی نیمی از نیروی جوان جامعه را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در تغییر و تحولات اجتماعی حال و آینده جامعه ایران ایفا می‌کنند. دختران و زنان ایرانی طی دهه‌های گذشته، علی‌رغم محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی از نقش سنتی خود فاصله گرفته‌اند و تمایل بیشتری به فعالیت‌های اجتماعی و حضور در حوزه‌های عمومی دارند. امروزه می‌توان شاهد افزایش رؤیت‌پذیری دختران و تغییر از سوژه‌های در حاشیه و محدود به خانه به مشارکت‌کنندگان فعال در فضای عمومی تحصیل و کار و تفریح بود. دختران بیشتر از گذشته برای ابراز خود و مشارکت فعال در حوزه عمومی و رسمی تمایل دارند (Ghaderzadeh & Rezazadeh, 2020: 64). افزایش میزان تحصیلات زنان و دختران، افزایش میزان اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی و نیز حضور در فضای مجازی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی موجب بازاندیشی زنان نسبت به نقش‌های جنسیتی سنتی شده است (Sohrabzadeh, Shoa, Niyazi, & Movahed, 2020: 105-111). این تغییر نگرش و احساس موجب حضور فعال تر آنان در حوزه عمومی و کنشگری بیشتر در ساحت اجتماعی شده است. آنان می‌خواهند قدرتی بیش از گذشته به دست آورند و نقش مهم‌تری در بازتعریف و بازسازی جامعه داشته باشند. خانواده یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که زنان در آن، خواهان تغییر و توزیع قدرت برابر میان زنان و مردان هستند. تحقیقات اجتماعی نشان می‌دهد تقویت ارزش‌های مبتنی بر فردیت و برابری طلبانه و معنای جدید از خوشبختی، انتظارات زنان را از زندگی خانوادگی تغییر داده است. گرایش زنان به ارزش‌های فردگرایانه و برابری طلبانه نیز سبب دوری از هنجارهای خانواده سنتی و تعریفی متفاوت از هویت زنانه شده است (Godarzi, 2015: 179-195). همچنین حضور در فضای مجازی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، این امکان را برای زنان و دختران فراهم کرده است که بازاندیشی مجددی درباره هویت جنسیتی و زنانگی خود داشته باشند. زنان جوان ایرانی با حضور و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و به تصویر کشیدن تجارب روزمره خود در این فضای عمومی، از حالت انفعال خارج و به سوژه‌ای فعال تبدیل شده‌اند. آن‌ها از این طریق به دنبال غلبه بر تصویرسازی‌های سنتی حاکم بر اذهان عمومی و ارائه تعریفی نو از زندگی زن ایرانی هستند (Bicheranloo, 2019: 138). این تمایل دختران به حضور در فضاهای عمومی و نیز کنشگری در حوزه‌های اجتماعی آموزشی، اقتصادی و سیاسی نشانه تغییراتی در ادراک دختران از نقش زنانگی و دخترانگی در جامعه است. تغییر نگرش زنان و دختران و بازاندیشی آنان درباره هویت و نقش زنانگی و دخترانگی می‌تواند پیامدهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی مهمی را به همراه داشته باشد.

جامعه‌شناسان در مطالعات مردان و زنان میان دو مفهوم جنس^۱ و جنسیت^۲ تفاوت قائل می‌شوند. بر همین مبنا دو دیدگاه ذات‌گرایی^۳ و سازه‌گرایی^۴ در مطالعات مردان و زنان مطرح می‌شود. ذات‌گرایان بر ویژگی‌های بیولوژیکی مردان و زنان تأکید می‌کنند و بر این باورند که چیزی با عنوان طبیعت انسان وجود دارد که پایدار است و رفتار و عمل انسان هم تحت تأثیر آن است؛ درحالی‌که از نظر سازه‌گرایان، جنس بیولوژیکی تنها عامل تعریف زن یا مرد بودن نیست، بلکه ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی و تصورات کلیشه‌ای از نقش‌های جنسیتی، مردانه‌بودن و زنانه‌بودن را در یک فرهنگ تعیین می‌کنند (Yaghoobi, 2014: 32)؛ بنابراین درحالی‌که جنس به تفاوت‌های فیزیکی بدن اشاره دارد، جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط است. جنسیت به صفات فیزیکی که برحسب آن‌ها مردان و زنان با یکدیگر تفاوت دارند اطلاق نمی‌شود، بلکه به ویژگی‌های اجتماعی رفتار مردانه و زنانه مربوط می‌شود (Giddens, 1989: 192). جنسیت یکی از سازه‌های اجتماعی اولیه‌ای است که نقش افراد و الگوهای عمل افراد را در جامعه مشخص می‌کند. تصور از جنسیت و الگوهای عمل مرتبط با آن تا حدودی مشخص می‌کند که زنان و مردان در هر موقعیت اجتماعی چگونه فکر، احساس و عمل کنند (Zajdow, 2007).

مفهوم دخترانگی^۵ به مفهوم جنسیت نزدیک است که در تمامی جوامع یکی از سازه‌های اولیه شکل‌دهنده هویت و تجارب افراد است (Kachel, Steffens, & Niedlich, 2016). جنسیت یکی از اولین طبقه‌بندی‌های اجتماعی است که کودکان از بدو تولد در جوامع خود می‌آموزند. در بزرگسالی هم افراد خودپنداشت‌های خود را با کلیشه‌های جنسیتی که درونی کرده‌اند تفسیر می‌کنند. ارزش‌ها و هنجارهای جنسیتی از طریق نهادهای اجتماعی نظیر خانواده، همسالان و مدرسه در کودکان درونی می‌شوند این فرایند به‌عنوان ساخت اجتماعی جنسیت شناخته می‌شود و به کلماتی مثل دخترانگی/پسرانگی یا زنانگی/ مردانگی معنی می‌بخشد (Zinn, Hondagneu-Stelo, Messner, 2011). بدین ترتیب دخترانگی مجموعه‌ای از معنایی است که به صفات، رفتارها، علایق، منش‌ها، ظواهر، نقش‌ها و انتظاراتی اشاره دارد که طی فرایند اجتماعی شدن با دخترانگی مرتبط می‌شود (Shea et al., 2014). براین اساس می‌توان گفت دخترانگی احساس و تصویری است که دختران در زندگی اجتماعی، از دختر بودن کسب می‌کنند و شامل انتظاراتی است که به‌عنوان یک دختر برای

1. sex
2. gender
3. essentialism
4. constructivism
5. girlhood

خود تعریف می‌کنند. بخش مهمی از هویت دختران را باورهای آنان از کلیشه‌های جنسیتی که از طریق فرایند جامعه‌پذیری کسب می‌کنند، شکل می‌دهد. البته دختران سوژه‌های منفعلی در مقابل کلیشه‌های جنسیتی نیستند که فقط آن‌ها را از طریق فرایند جامعه‌پذیری بپذیرند، بلکه در مقابل این کلیشه‌های جنسیتی، آگاهانه و کنشگرانه عمل می‌کنند (Kelly et al., 2016). همه ما در کنش‌های متقابل روزانه‌مان با دیگران به جنسیت فعلیت می‌بخشیم. از لحن صدا تا ادواطوارها و حرکات تا هنجارهای رفتاری، همه جنبه‌های موجودیت ما جنسیتی هستند. ما جنسیت را طی هزاران کنش کوچک و روزمره به صورت اجتماعی بازتولید می‌کنیم؛ یعنی می‌سازیم و بازسازی می‌کنیم. به عبارت دیگر، پذیرش هویت‌های جنسیتی با نوعی بازاندیشی^۱ همراه است (Giddens, 1989).

امروزه عرضه انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی هویت‌آفرین و وسعت یافتن روابط اجتماعی برخی از زنان، به همراه تغییرات نهادی و ساختاری و نهضت‌های اجتماعی زنان، زمینه تفکر و بازاندیشی در ارزش‌ها و آرمان‌ها و در نهایت هویت‌های شخصی و اجتماعی آن‌ها شده است (Castells, 2003). هویت‌های جنسیتی که دختران طی اجتماعی شدن در نهادهای جامعه‌پذیر می‌آموزند و در پرتو اطلاعات و منابع فرهنگی جدید آن‌ها را بازاندیشی می‌کنند و فرایند بازاجتماعی شدن را طی می‌کنند، مرحله‌ای است که ارزش‌های زنانگی تکوین می‌یابند و در گذر زمان جرح و تعدیل می‌شوند. چیرگی این کلیشه‌های جنسیتی بر ساخت ذهنی دختران، هویت جنسیتی آن‌ها را رقم می‌زند و به تناسب پذیرش یا نپذیرفتن این ارزش‌ها، آن‌ها در سنخ‌های گوناگونی از زنانگی قرار می‌گیرند که به تناسب جایگاه خود، ارزیابی‌شان از هویت خود به‌عنوان یک دختر متفاوت خواهد بود (Amini, & Moghimi, 2020).

۲. پیشینه پژوهش

لافرانس (۲۰۱۱) در مطالعه «بازتولید، مقاومت و گفتمان برتر زنانگی» در مصاحبه با ۱۴ زن کانادایی به این نتیجه رسید که درحالی که سازه‌های هژمونیک از زنانگی معمولاً در خدمت ممانعت از اوقات فراغت زنان هستند، اما گزارش مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد آن‌ها از طریق بازتولید، مقاومت و یا پیشی گرفتن از گفتمان‌های غالب زنانگی، درمورد این معناهای اجتماعی چانه‌زنی می‌کنند. آلمداروگلو (۲۰۱۵) در مقاله «فرار از زنانگی، تقاضای احترام: فرهنگ، طبقه و زنان جوان در ترکیه» در مصاحبه با چهار زن جوان ترکیه‌ای به این نتیجه رسید: زنان از شیوه‌هایی که زنان را سنتی، عقب‌مانده یا مطیع توصیف کند، گریزان هستند. آن‌ها همچنین از روایت‌های بدیل مانند استقلال، موفقیت شغلی،

اعتدال، عفاف و دینداری برای اثبات ارزش خود و احترام استفاده می‌کنند. البته برخی از تحقیقات نشان می‌دهد تعریف زنانگی در طبقات اجتماعی، اقتصادی یا قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشد؛ برای مثال بریک ول (۱۹۹۰) در مطالعه‌ای در زمینه نگرش به نقش‌های جنسیتی دریافت که نگرش به نقش‌های جنسیتی در گروه‌های مختلف مانند طبقات متفاوت اقتصادی، اجتماعی، گروه‌های قومی و فرهنگ‌های مختلف تا حدودی متفاوت است.

کانل (۱۹۹۵) در بررسی سنخ‌های زنانگی، سه نوع زنانگی سازگار، تلفیقی و مقاوم را از یکدیگر تفکیک کرد. زنانگی سازگار زنانگی‌هایی هستند که با سلطه مردان و فرمان‌برداری زنان مطابقت دارند و خواسته‌ها و منافع مردان را ارضا می‌کنند. به‌زعم کانل، زنانگی سازگار تابع منافع و امیال مردان است و مشخصه آن فرمانبری، دلسوزی، پرستاری و همدلی است. زنانگی نوع دوم (زنانگی ترکیبی) مجموعه‌ای پیچیده و حساب‌شده از انطباق، مقاومت و همکاری است و زنانگی نوع سوم (زنانگی مقاوم) شکل‌هایی از زنانگی است که یا در برابر سلطه مردان مقاومت می‌کند یا با آن همخوانی ندارد. این نوع از زنانگی شامل ویژگی‌هایی است که زنان را انسان‌هایی جسور یا مستقل نشان می‌دهد. این تقسیم‌بندی کانل از زنانگی را می‌توان به مفهوم دخترانگی نیز تعمیم داد. یعقوبی و مقدس یزدی (۲۰۱۷) تحت تأثیر سنخ‌شناسی کانل از زنانگی، به سنخ‌شناسی دختران دانشجو از زنانگی پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد براساس ارزش‌های جنسیتی، سه خوانش از زنانگی وجود دارد: ۱. زنانگی سازشی؛ ۲. زنانگی تلفیقی و ۳. زنانگی مقاوم. در زنانگی سازشی، دختران نگرشی تابع و انعطاف‌پذیر دارند؛ به‌گونه‌ای که ترجیح می‌دهند براساس الگوهایی که از قدیم‌الایام مادران و سایر زنان با آن رشد کرده و جز باورهای زندگی شخصی شده، عمل کنند. در خوانش دوم، زنان تلفیقی، پاسخگویان دیدگاهی اشتراکی از هر دو نوع سنخ سازشی و مقاوم را پذیرفته‌اند. دختران با رویکرد تلفیقی ضمن پذیرفتن کلیشه‌های جنسیتی خواستار مرتبه‌ای از استقلال و آزادی برای خود نیز بوده‌اند. سومین قرائت از زنانگی، زنانگی مقاوم است که در آن، دختران به وضعیت و جایگاه فعلی زنان در جامعه اعتراض دارند. این سنخ از مصاحبه‌شوندگان خواستار عاملیت بیشتر برای زنان و علاقه‌مند به زیرپا گذاشتن کلیشه‌های حاکم هستند و خودشناسی و استقلال و مدیریت را برای خویش الزامی می‌دانند. مطالعه نتایج یعقوبی و مقدس یزدی (۲۰۱۷) نشان می‌دهد با افزایش تحصیلات و اشتغال زنان و گسترش مصرف رسانه‌ای و تغییر در سبک زندگی، شمار بیشتری از زنان به سنخ زنانگی مقاوم تمایل پیدا می‌کنند و به تغییر نگرش و تعدیل در زنانگی سنتی اقدام می‌ورزند. ذکایی و قاراخانی (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای به بررسی تجربه دختران جوان تهرانی از زنانگی پرداختند و نگرش‌ها و برداشت‌های دختران دبیرستانی را درباره سه محور ارزش‌های زنانگی، نقش‌های جنسیتی

و پایبندی به کلیشه‌های جنسیتی مطالعه کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد ارزش‌ها و کلیشه‌های زنانگی حاکم، در دید اکثر دختران جوان مطابق با تصورات قالبی یا همان تصورات کلیشه‌ای از زنان است. نتایج تحقیق ذکایی و قاراخانی حاکی از بازتولید ارزش‌ها و نقش‌های زنانگی رایج در میان دختران مورد بررسی است.

حمزوی عابدی، باقریان و مظاهری (۲۰۱۵) به بررسی ادراک دانشجویان دختر (از قومیت‌های ترک، کرد و فارس) از هنجارها و انتظارات زنانگی پرداختند. مطابق نتایج، زنان جوان ایرانی، انتظارات جامعه از خود را در قالب هشت مضمون مشترک ادراک می‌کنند: جهت‌گیری به سمت موفقیت، نجابت و دینداری، کدبانوگری، تلاش برای زیبایی و رسیدگی به ظاهر، احترام به بزرگ‌ترها، داشتن صفات شخصیتی زنانه و اهمیت دادن به آبروی خانواده است. نتایج حمزوی و عابدی نیز گویای بازتولید انتظارات جامعه از زنانگی در میان دانشجویان دختر است. منتظر قائم و پاک (۲۰۱۶) به تحلیل روایت دخترانگی در سه سریال تلویزیونی ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هر سه سریال مورد بررسی، متمایل به «گفتمان دختران در خطر» هستند. هر سه سریال با نفی فردیت دختران در ساخت هویت خویش، دختران را صرفاً به گونه‌ای نمایش داده‌اند که در گفتمان در خطر بگنجد. در این سریال‌ها به دختران مانند ابژه‌هایی منفعل و نیازمند مراقبت و توجه بزرگسالان برای گذار به بزرگسالی امن و هنجارمند نگریسته شده است. این نوع بازنمایی‌ها با جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک می‌تواند تولید نوعی هراس اخلاقی کند که به موجب آن، دختران نوجوان با نگرانی و ترس معرفی شوند و در نتیجه ذهنیت نگران و مضطرب جامعه بزرگسال به آن‌ها تقویت شود.

امیدوار طهرانی، زرانی، نوحه‌سرا، پناغی و ملک‌زاده مغانی (۲۰۲۱) به بررسی ادراک زنانگی در کشورهای مختلف در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ پرداختند و شش عامل عاملیت جنسی، مادرانگی، ظاهر و بدن، استقلال و احترام، مراقبت‌کنندگی یا خودمراقبتی و عامل فرهنگی را در پژوهش‌های مختلف در کشورهای گوناگون بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که زنانگی شامل یک یا دو عامل مشخص نیست و مجموعه‌ای از عوامل، مفهوم زنانگی را شکل می‌دهند که شناسایی و مطالعه این عوامل در زمینه‌های فرهنگی جوامع متفاوت است.

سهراب‌زاده، شعاع، نیازی و موحد (۲۰۲۰) در مطالعه «بازاندیشی نقش‌های جنسیتی زنان و تعیین‌کننده‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای سن، وضعیت اشتغال، تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مدت ازدواج، میزان استفاده از رسانه‌های

جمعی و شبکه‌های ارتباطی، ارتباط معناداری با بازاندیشی در نقش‌های جنسیتی دارد. براساس نتایج، هریک از این عوامل به میزانی موجب بازاندیشی زنان دربارهٔ زنانگی شده است. اگرچه پژوهش‌های جدید خارجی تأکید و توجه بیشتری به بازاندیشی نقش‌های جنسیتی در میان زنان داشته‌اند و بر نقش کنشگری و عاملیت زنان و دختران در بازتعریف زنانگی و دخترانگی تمرکز کرده‌اند، نتایج اغلب تحقیقات داخلی نشان می‌دهد معمولاً زنان و دختران مورد بررسی، انتظارات و نقش‌های مورد انتظار جامعه از زنانگی را پذیرفته‌اند و آن‌ها را بازتولید می‌کنند؛ در صورتی که در واقعیت اجتماعی و حوزه‌های مدنی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شاهد حضور گستردهٔ زنان و دختران هستیم. وقوع این تغییرات همراه با تغییر ادراک زنان و دختران از دخترانگی و زنانگی است. به عبارت دیگر، در پژوهش‌های پیشین داخلی اغلب به انفعال و پیروی زنان از کلیشه‌های جنسیتی پرداخته شده و نقش کنشگرانهٔ زنان و عاملیت آن‌ها در تغییر کلیشه‌ها و نقش‌های جنسیتی نادیده گرفته شده است.

هدف این مقاله، بازنمایی تجربیات زیسته و ادراکات دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از دخترانگی است. بررسی دخترانگی در میان دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد؛ زیرا معلمان می‌توانند ارزش‌ها و هنجارهای مرسوم جامعه را به نسل‌های آینده انتقال دهند (Durkheim, 1997) یا در جهت تغییر و اصلاح آن‌ها عمل کنند (Giroux, 1985)؛ بنابراین این گروه اجتماعی در سال‌های بعد به‌عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری در نظام تعلیم و تربیت کشور، نقش مهمی در جهت انتقال یا تغییر نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی در نسل‌های آینده و به‌خصوص در میان دختران دانش‌آموز دارند. دانشجو معلمان دختر دانشگاه فرهنگیان در سال‌های نه‌چندان دور از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی و از طریق برنامهٔ درسی آشکار و پنهان بر ادراکات دانش‌آموزان دختر از دخترانگی اثر می‌گذارند و ارزش‌ها و هنجارهای جنسیتی غالب را در دختران دانش‌آموز درونی می‌سازند یا در جهت تغییر و اصلاح آن عمل می‌کنند؛ بنابراین آگاهی و اطلاع از تجربیات زیستهٔ آن‌ها از دخترانگی می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد. اینکه دانشجویان امروز دانشگاه فرهنگیان و معلمان آیندهٔ مدارس چه درک و تجربه‌ای از دخترانگی و زنانگی دارند، بر عملکرد حرفه‌ای و شغلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. آن‌ها در آینده‌ای نزدیک، تصورات و ادراکاتی را که از زنانگی دارند، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم و از طریق برنامهٔ درسی آشکار و پنهان به دانش‌آموزان دختر آموزش می‌دهند. این آموزش‌ها می‌تواند موجب انتقال یا تغییر انتظارات و ادراکات جنسیتی مرسوم جامعه در میان دختران دانش‌آموز شود. بدین ترتیب این مقاله در پی پاسخ به

این سؤال است که تجربیات زیسته دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از دخترانگی یا دختر بودن چگونه است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

شناخت و اطلاع از جامعه مخاطب بدون آشنایی از شیوه زیست، تجربیات، احساسات و نگرش‌های آنان ممکن نیست. رویکردهای کمی و آماری ممکن است به شناخت و اطلاعات وسیع و گسترده‌ای از جامعه هدف منجر شود، اما نمی‌تواند اطلاعات دقیق و عمیقی از آنان در اختیار پژوهشگران و برنامه‌ریزان فرهنگی و تربیتی قرار دهد. روش‌های تحقیق کیفی می‌تواند توصیف عمیق و دقیقی از جامعه مخاطب و موضوع تحقیق در اختیار محققان قرار دهد. یکی از روش‌های کسب اطلاع از جامعه مخاطب، بررسی تجربیات زیسته آنان است. روش تحقیق در این پژوهش کیفی^۱ است و در سطح توصیف و تحلیل، به تجربیات زیسته^۲ دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان البرز از دخترانگی در ترم دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱ می‌پردازد. رویکرد پدیدارشناسی^۳، مناسب‌ترین روش برای بررسی تجربیات زیسته افراد محسوب می‌شود (Creswell, 2007: 81). پدیدارشناسی به‌عنوان رویکرد پژوهشی در جست‌وجوی معانی و جوهره‌های تجارب افراد است و واقعیت‌ها را در روایت افراد از تجربیاتشان دنبال می‌کند (Bodlai, 2018: 38). در این مقاله به‌منظور تحلیل تجربیات دختران دانشجو از دخترانگی، از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری ون‌منن (۱۹۹۰) استفاده شده است. به نظر ون‌منن، پدیدارشناسی فرایندی تفسیری است که در آن، پژوهشگر به تفسیر معنای تجارب زیسته افراد می‌پردازد. بیان تجربه‌های زیسته و روایت‌هایی که دانشجویان دختر از شیوه زندگی خود دارند می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در اختیار سیاست‌گذاران تربیتی و فرهنگی قرار دهد تا در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی برنامه‌های تربیتی و فرهنگی، آگاهانه و مبتنی بر اطلاعات دقیق، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کنند. براین اساس این مقاله روایتی از تجربیات زیسته دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان البرز از دخترانگی را ارائه می‌دهد.

جامعه مورد پژوهش در این مقاله، همه دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان البرز در سال ۱۴۰۱ است. نمونه‌ها در روش کیفی به خلاف روش کمی معمولاً براساس موضوع تحقیق انتخاب می‌شوند و نه با هدف تعمیم نتایج به نمونه‌های دیگر. نمونه‌گیری در روش‌های کیفی، معمولاً براساس نمونه‌گیری هدف‌دار است و بنابراین برحسب معیاری متناظر با سؤال پژوهشی برگزیده می‌شوند. این

1. qualitative
2. lived experiences
3. phenomenology

بدان معنا است که نمونه‌ها چنان متجانس است که تجارب نسبتاً مرتبط و مشترکی از شرایط خاص و حادثه یا وضعیت دارند (Mohammadiasl, 2017: 174). به سه دلیل، نمونه‌های پژوهش از دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان انتخاب شدند. اول اینکه تقریباً بیشتر آن‌ها از استان‌های مختلف و با رتبه‌های برتر در دانشگاه فرهنگیان پذیرفته شده بودند و برای اولین بار حضور در دانشگاه و آموزش‌های دانشگاهی را تجربه می‌کردند. دوم اینکه همه نمونه‌ها برای حرفه معلمی تربیت می‌شدند و تحصیل در این حرفه برای آن‌ها مزایایی مانند امنیت شغلی و حقوق ماهانه در پی داشت و سوم اینکه تقریباً همه آن‌ها به فضای مجازی دسترسی داشتند. هر سه این موارد می‌تواند بر ادراکات آن‌ها از دخترانگی اثرگذار باشد.

بدین ترتیب، براساس نمونه‌گیری هدف‌دار، گروهی از دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان البرز انتخاب شدند. در روش کیفی به پژوهشگران توصیه می‌شود که با ۵ تا ۲۵ نفر از افرادی که همگی پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده‌اند، مصاحبه کنند (Polkinghorne, 1989). نمونه‌ها نیز براساس اصل اشباع نظری (Strauess & Corbin, 1990) تعیین شدند؛ یعنی جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی که اظهارات نمونه‌ها از دخترانگی به تکرار نرسیده بود ادامه یافت. براین اساس تجربیات زیسته ۲۲ دانشجوی دختر دانشگاه فرهنگیان جمع‌آوری شد. سن پاسخگویان ۲۰ تا ۲۳ سال بود و همه دانشجویان انتخاب شده دختر بودند.

جدول ۱. مشخصات زمینه‌ای پاسخگویان

کد پاسخگو	سن	استان محل سکونت	کد پاسخگو	سن	استان محل سکونت
۱	۲۰	خوزستان	۱۲	۲۲	چهارمحال و بختیاری
۲	۲۰	قزوین	۱۳	۲۱	فارس
۳	۲۰	مرکزی	۱۴	۲۲	آذربایجان شرقی
۴	۲۲	اصفهان	۱۵	۲۲	فارس
۵	۲۱	لرستان	۱۶	۲۲	خوزستان
۶	۲۲	لرستان	۱۷	۲۲	فارس
۷	۲۱	فارس	۱۸	۲۲	آذربایجان غربی
۸	۲۳	آذربایجان غربی	۱۹	۲۰	قزوین
۹	۲۰	همدان	۲۰	۲۱	بوشهر
۱۰	۲۰	اصفهان	۲۱	۲۱	همدان
۱۱	۲۱	کردستان	۲۲	۲۱	آذربایجان شرقی

روش جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ است. در رویکرد پدیدارشناسی معمولاً با نتایج مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته کار می‌کنند. از آنجا که در روش کیفی، محقق به جهان زندگی مشارکت‌کنندگان تحقیق وارد می‌شود، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به دلیل تأکید بر سؤالات باز و غیرهدایت‌شده می‌تواند مورد استفاده چنین پژوهشی قرار گیرد (Mohammadiasl, 2017: 171). مصاحبه با هر کدام از دانشجویان حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه طول کشید. از دانشجویان خواسته شد که تجربیاتشان از دخترانگی را بیان کنند. به منظور هدایت مصاحبه‌ها در یک چارچوب مشخص، از دانشجویان سه سؤال کلی پرسیده شد:

۱. دختر بودن یا دخترانگی را با چه مفاهیم و چگونه توصیف می‌کنید؟

۲. آیا به دلیل دختر بودن یا دخترانگی با مسائل و مشکلاتی مواجه شده‌اید؟

۳. چه احساس و درکی از تصور عمومی (جامعه، خانواده، آشنایان و...) از دخترانگی و دختر بودن دارید؟

دانشجویان در مصاحبه‌ها به بیان خاطرات، احساسات و تجربیات و دیدگاه‌های خود از دخترانگی پرداختند. در طول مصاحبه تلاش شد محقق دخالت کمتری در روایت‌های پاسخگویان داشته باشد و مصاحبه در چارچوب پرسش‌های طرح‌شده پیش برود. پس از آنکه روایت‌ها و پاسخ‌های پاسخگویان به تکرار رسید و ادامه مصاحبه با نمونه‌ها نکته و مطلب جدیدی به مصاحبه‌های قبلی نمی‌افزود، مصاحبه‌ها متوقف شد و فرایند جمع‌آوری داده‌ها به اتمام رسید.

پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها، مصاحبه‌های انجام‌شده به متن‌های نوشتاری تبدیل شدند و فرایند تحلیل داده‌ها آغاز شد. روش تحلیل داده‌ها، روش تحلیل مضمون^۲ است؛ یکی از تکنیک‌های تحلیل داده‌ها که معمولاً در روش‌های کیفی به کار می‌رود. این تکنیک بر فرایند شناسایی و کدگذاری الگوهای مختلف معنایی تأکید می‌کند. به بیان ساده‌تر روش تحلیل مضمون، شناسایی، تحلیل و گزارش کردن الگوها است. باین حال روش تحلیل مضمون نه یک روش مستقل، بلکه یک تکنیک تحلیل داده است (Zokaei, 2019: 86). همان‌گونه که محقق کمی از ضرایب و آزمون‌های آماری برای فشردن و ارائه خلاصه داده‌ها استفاده می‌کند، در روش کیفی نیز این روند به کمک کدگذاری و مقوله‌سازی صورت می‌گیرد. فرایند فشردن‌سازی به معنای استخراج ایده‌های اصلی و الگوبندی آن‌ها است.

1. semi-structured
2. theme analysis

تکنیک تحلیل مضمون با کدگذاری^۱ مصاحبه‌های مکتوب‌شده آغاز می‌شود که به معنای خردکردن متن مصاحبه به اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن است (Strauss & Corbin, 1990: 61). کد^۲ نیز مفاهیم، اصطلاحات و عبارتهایی است که مشارکت‌کنندگان برای توصیف موضوع مورد پژوهش به کار برده‌اند. در مطالعه حاضر، پس از مکتوب‌شدن مصاحبه‌ها، روایت‌های دانشجویان کدگذاری شد و کدهای مشابه در یک مقوله^۳ مشخص طبقه‌بندی شدند. مقوله، مفهومی با سطح انتزاع گسترده‌تر از کدهاست. وقتی کدها با یکدیگر مقایسه می‌شوند و به نظر می‌رسد به مفهوم و مقوله‌ای مشابه مربوطند، در نظمی بالاتر دسته‌بندی می‌شوند. مقوله، مفهومی است که از سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است (Strauss & Corbin, 1990: 58). در ادامه مقوله‌ها براساس مضامین اصلی دسته‌بندی شدند. درنهایت گزارشی روایی براساس مضامین اصلی، مقوله‌های استخراج‌شده و نقل‌قول‌های دانشجویان ارائه شد.

در پژوهش‌های کیفی، معیارهایی مانند اعتمادپذیری^۴، باورپذیری^۵، انتقال‌پذیری^۶، اطمینان‌پذیری^۷ و تأییدپذیری^۸ به‌جای روایی^۹، پایایی^{۱۰} و عینیت^{۱۱} پیشنهاد می‌شود (Lincoln & Guba, 1985). به‌منظور اعتمادپذیری، باورپذیری و انتقال‌پذیری مضامین و مقوله‌های استخراج‌شده، از پنج نفر از دانشجویان دختر دانشگاه کمک گرفته شد. آنان اعلام کردند که این مقوله‌ها و مضامین به‌نوعی گویای تجربیات زیسته مشترک آنان از دخترانگی است. همچنین به‌منظور اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری مقوله‌ها و مضامین و فرایند تحلیل داده‌ها، از نظرات دو نفر از متخصصان تربیتی و روان‌شناسی اجتماعی بهره گرفته و توسط آنان تأیید شد.

۴. یافته‌های پژوهش

پس از کدگذاری متن‌های مصاحبه، شش مقوله استخراج و در سه مضمون اصلی ویژگی‌های دخترانگی، مسائل دخترانگی و عاملیت دخترانگی دسته‌بندی شدند. مقوله‌هایی مانند ویژگی‌های

1. coding
2. code
3. category
4. trustworthiness
5. credibility
6. transferability
7. dependability
8. confirmability
9. validity
10. reliability
11. objectivity

احساسی و رفتاری در مضمون ویژگی‌های دخترانگی قرار گرفتند. محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، بی‌عدالتی و تبعیض و تصورات غلط اجتماعی در مضمون مسائل دخترانگی قرار داده شدند و کنشگری ذیل مضمون عاملیت دخترانگی جای داده شد. در ادامه مضامین اصلی، مقوله‌ها و کدهای استخراج شده با استناد به نقل قول‌های مستقیم دانشجویان توضیح داده شدند. در جدول ۲ این دسته‌بندی‌ها معرفی شده است.

جدول ۲. کدها، مقوله‌ها و مضامین

مضامین	مقوله‌ها	کدها
ویژگی‌های دخترانگی	ویژگی‌های روانی	نیازمند توجه و مراقبت، نیازمند مهر و محبت و درک شدن، نیازمند به امنیت و آرامش، نیاز به دوست داشته شدن، روحیه لطیف، ظریف و حساس، صبر و شکیبایی، مهربان و غمخوار
	ویژگی‌های رفتاری	خنده‌های قشنگ و موهای بلند و لاک‌های رنگارنگ، پوشیدن لباس‌های رنگی، روزهایی قشنگ، رفتارهای کودکانه، ذوق کردن برای چیزهای کوچک، توجه به جزئیات
مسائل دخترانگی	محرومیت‌ها و محدودیت‌ها	ماندن در خانه، یادگیری خانه‌داری، تنهایی مسافرت‌نرفتن، مستقل نبودن، محدودیت و محرومیت‌های شغلی، محرومیت از نیازهای اولیه، محدودیت پوشش، محرومیت از برخی تفریحات و لذت‌ها، محدودیت فرصت‌ها، محدودیت در رشد و شکوفایی، محرومیت از علایق، محدودیت در سبک زندگی، اسیر جامعه متعصب
	بی‌عدالتی و تبعیض	تبعیض، نادیده گرفتن توانایی‌ها، حقوق نابرابر، تحت سلطه قوانین ناعادلانه و ظالمانه، نابرابری درآمدی، بی‌عدالتی جنسیتی، جدی گرفته نشدن، سوءاستفاده از احساسات
	تصورات غلط اجتماعی	ضعیف، وابسته به مردان، جنس دوم، یادگیری خانه‌داری، ناتوان، هوس‌آلود، احساساتی، توانایی جسمانی کمتر، ترشیده، ناقص عقل، دردسر بزرگ کردن، تحت کنترل و سلطه مردان، امانت
عاملیت دخترانگی	کنشگری	توانمند، لایق احترام، مستقل شدن، تلاش و پشتکار، به دنبال پیشرفت و موفقیت، خودآگاهی، احساس مفیدبودن، ارزش قائل شدن به خود و توانایی‌هایشان، جنگیدن برای به رسمیت شناخته شدن، تلاش برای آزادی، به دست آوردن حقوق اولیه و طبیعی، قدرت ذهنی حل مسائل، نمایاندن قدرت و اراده

۱. ویژگی‌های دخترانگی: نمونه‌های مورد بررسی، ویژگی‌های دخترانگی را در دو مقوله ویژگی‌های احساسی دخترانگی و ویژگی‌های رفتاری دخترانگی بیان کرده‌اند. دانشجویان ویژگی‌های احساسی دخترانگی را با این مفاهیم توصیف کرده‌اند: «نیازمند توجه و مراقبت، نیازمند مهر و محبت و درک شدن، نیازمند امنیت و آرامش، نیاز به دوست داشته شدن، روحیه لطیف، ظریف و حساس، صبر و شکیبایی، مهربان و غمخوار.»

برای نمونه پاسخگوی ۸ از استان آذربایجان غربی، ۲۳ ساله، مهم‌ترین ویژگی دختران را این گونه بیان می‌کند: «مهم‌ترین مسئله برای زنان و دختران احساس امنیت و آرامش روانی نسبت

به حال و آینده است.» همچنین پاسخگوی ۶ از استان لرستان ۲۲ ساله درباره روحیه لطیف دختران این گونه اظهار می‌کند: «دختر مثل گل است. از آن گل‌هایی که اگر حواست بهشان نباشد قهر می‌کنند و پژمرده می‌شوند.» پاسخگوی ۷ از استان فارس ۲۱ ساله نیز درباره روحیه حساس و عاطفی بودن دختران می‌گوید: «دختران به دلیل داشتن روحیه حساس و عاطفی نسبت به پسران باید توجه بیشتری به آن‌ها شود.» یا پاسخگوی ۲ از استان قزوین ۲۰ ساله ویژگی‌های عاطفی دختران را این گونه بیان می‌کند: «دخترها دارای روحیه بسیار لطیف و حساس هستند. ظرافت، توجه به جزئیات، سلیقه در انجام کارها، داشتن روحیه شاد و پرانرژی، ظاهر پر از قشنگی از جمله خصوصیات دختران است.»

از ویژگی‌های دیگر دخترانگی که دانشجویان بدان اشاره کردند، رفتار و ظاهر دختران است. نمونه‌های مورد بررسی، ویژگی‌های رفتاری دخترانه را با این مفاهیم توصیف کردند: «خنده‌های قشنگ، موهای بلند، لاک‌های رنگارنگ، پوشیدن لباس‌های رنگی، رژی‌های قشنگ، رفتارهای کودکانه، ذوق کردن برای چیزهای کوچک، توجه به جزئیات و باسلیقه بودن.»

پاسخگوی ۲ از استان قزوین ۲۰ ساله در مورد ویژگی‌های رفتاری و ظاهری دخترانگی این گونه بیان می‌کند: «دختر بودن با لاک‌های رنگارنگ، موهای بلند، لبخندهای قشنگ و لباس‌های رنگی معنا پیدا می‌کند. دنیای دختران پر از رژی‌های قشنگ است.» پاسخگوی ۸ از استان آذربایجان غربی ۲۳ ساله برخی از ویژگی‌های رفتاری دختران را این گونه توضیح می‌دهد: «خیلی خوب است که به دخترانگی‌هایشان احترام بگذارید. از موهای بلندی که روی فرش و سرامیک و گاهی توی غذایشان پیدا می‌شود گله نکنید. به لاک‌های بدرنگشان نخندید. اگر پول‌هایشان را جمع می‌کنند و برای خودشان رژلب‌های رنگارنگ می‌خرند ذوق کنید.» پاسخگوی ۱۲ از استان چهارمحال و بختیاری ۲۲ ساله در مورد علایق دختران این گونه عنوان می‌کند: «برایشان بستنی و شکلات نوتلا و لواشک‌های ترش هدیه بیاورید. بگذارید لوس باشند و رفتارهای کودکانه‌شان را سرزنش نکنید. از خنده‌های بلند و ابراز احساسات عجیب و غریبشان ایراد نگیرید.»

بیشتر نمونه‌های مورد بررسی، ویژگی‌های عاطفی و رفتارهای احساسی دختران را برجسته و بر اهمیت احساسات و عواطف در زندگی دختران تأکید کردند. نمونه‌های مورد بررسی، احساس امنیت و آرامش و محبت و توجه را از نیازهای اساسی دختران بیان کردند. همچنین دانشجویان مورد مطالعه دختران را واجد ویژگی‌های احساسی نظیر صبر، غمخواری و مهربانی برشمردند. توجه به ظاهر و بدن، برخی رفتارهای کودکانه و توجه به جزئیات و داشتن سلیقه، از دیگر ویژگی‌های دختران عنوان شده است. به‌طور کلی ویژگی‌های احساسی و رفتاری که نمونه‌های مورد بررسی برای دختران به کار

برده‌اند با کلیشه‌های عمومی جامعه از ویژگی‌های احساسی و رفتاری دختران همخوانی و هماهنگی دارد و از این جهت، تعارض و اختلافی میان تصورات و ادراکات نمونه‌های مورد بررسی با تصور عمومی و مرسوم جامعه از دختران مشاهده نمی‌شود.

۲. مسائل دخترانگی: دانشجویان مورد بررسی در تجربیاتشان از دخترانگی به برخی از مسائل و مشکلاتی اشاره کردند که به دلیل دختر بودن با آن‌ها مواجه شده‌اند. نمونه‌های مورد بررسی، مسائل دختران در جامعه را در سه مقوله محدودیت و محرومیت، بی‌عدالتی و تبعیض و تصورات غلط اجتماعی نسبت به دختران بیان کردند. نمونه‌های مورد بررسی، تجربه محدودیت و محرومیت برای دختران را با این مفاهیم و عبارات توصیف کردند: «محدودماندن در خانه، لزوم یادگیری خانه‌داری، تنهایی مسافرت نرفتن، مستقل نبودن، محدودیت‌های تحصیلی، محدودیت و محرومیت‌های شغلی، محرومیت از نیازهای اولیه، محدودیت پوشش، محرومیت از برخی تفریحات و لذت‌ها، محدودیت فرصت‌ها، محدودیت در بیان احساسات و نظرات، محرومیت و محدودیت در انتخاب همسر، محدودیت در رشد و شکوفایی، محرومیت از برخی علایق، محدودیت در سبک زندگی، اسیر جامعه متعصب.»

برای نمونه پاسخگوی ۳ از استان مرکزی ۲۰ ساله در مورد محدودیت دختران می‌گوید: «اکثر دختران ایرانی، دختر بودن را محدودیت معنا می‌کنند. بیشتر خانواده‌های سنتی درک درستی از دختر بودن و روحیه آن‌ها ندارند. دخترها نباید بلند بخندند یا با دوستان خود به مسافرت بروند. آن‌ها حق انتخاب در پوشش مورد علاقه خود را ندارند. در برخی موارد نمی‌توانند شغل مورد علاقه خود را به دلیل جنسیتشان انتخاب کنند» و پاسخگوی ۱ از استان خوزستان ۲۱ ساله نیز اظهار می‌کند: «از دیدگاه خیلی‌ها، دخترها باید در خانه بمانند و سنگین باشند. اجازه مستقل بودن و کار کردن را ندارند. وظیفه آن‌ها یادگیری و انجام کارهای خانه است.» پاسخگوی ۴ از استان اصفهان ۲۲ ساله نیز عنوان می‌کند: «وجود برخی الگوهای رفتاری و کلیشه‌های فرهنگی نادرست درباره دختران و زنان میان خانواده‌های ایرانی موجب ایجاد محدودیت در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنان شده است.» پاسخگوی ۵ از استان لرستان ۲۱ نیز بیان می‌کند: «دختر بودن به دلیل صرف جنسیت عموماً دارای محدودیت‌های به نسبت بیشتری است تا فرصت‌های پیش‌رو. از این رو در تمامی ابعاد زندگی شخصی و اجتماعی تأثیر نامطلوبی برجای گذاشته است. از سبک پوشش و سبک زندگی دلخواه تا مراتب بالاتر و تعیین شغل و پیگیری علایق و آزادی عمل، تماماً درگیر و تحت تأثیر این مورد مذکور است.»

احساس محدودیت و محرومیت در حوزه‌های خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای دختران یکی از مهم‌ترین مسائلی است که اغلب دانشجویان در تجربیاتشان بدان اشاره کردند و اظهار کردند که در تجربیات روزمره با محرومیت‌های خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مواجه بوده‌اند. آن‌ها از این محدودیت‌ها و محرومیت‌ها ناراضی هستند و بسیاری از این محدودیت‌ها را حاصل تصورات اشتباه و نادرست خانواده‌ها و افراد جامعه از دختران بیان کرده‌اند.

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که دانشجویان دختر از دخترانگی عنوان کردند، بی‌عدالتی و تبعیض حاکم بر دختران است. آنان مقوله بی‌عدالتی را با این مفاهیم و عبارات توصیف کردند: «تبعیض، نادیده گرفتن توانایی‌ها، حقوق نابرابر، تحت سلطه قوانین ناعادلانه و ظالمانه، نابرابری درآمدی، بی‌عدالتی جنسیتی، جدی گرفته نشدن توانایی‌ها، سوءاستفاده از احساسات.»

برای مثال پاسخگوی ۶ از استان لرستان ۲۲ ساله تبعیض حاکم میان دختران و پسران در خانواده‌ها را این‌گونه بیان کرد: «بسیاری از دختران هستند که از استعداد زیادی برخوردارند، اما شرایط اینکه درس بخوانند و به موقعیت شغلی برسند ندارند و خانواده‌هایشان تنها راه را در شوهردادن آن‌ها می‌بینند؛ درحالی که اگر پسر بودند می‌توانستند هر جا و هر کاری که بخواهند انجام دهند.» پاسخگوی ۵ از استان لرستان ۲۱ ساله درباره بی‌عدالتی حاکم بر دختران در جامعه توضیح می‌دهد: «نگاهی منحصراً جنسیتی به دختر، دست کم گرفتن توانایی‌ها و قدرت‌های بی‌شمار دختر، تبعیض کاملاً ناعادلانه میان دو جنس زن و مرد در افکار و عقاید مردم و در مرتبه بالاتر، قوانین سختگیرانه و ظالمانه علیه جنس زن در مقابل مرد، فراهم نبودن بستر مناسب و شرایط مطلوب برای ایجاد آرامش خاطر برای دختران تا در کمال فراست و هوشیاری به بیان احساسات و طرز فکر خود در جامعه پردازند و در کل، تفاوت نگاه‌ها به دو جنس زن و مرد و رعایت نکردن عدالت و برابری جنسیتی موجب شده که در این جامعه و کشور، زندگی معمول هم دارای مشقت‌های گوناگونی برای دختران باشد.» پاسخگوی ۲۰ از استان بوشهر ۲۱ ساله نیز در مورد تبعیض دختران این‌گونه بیان می‌کند: «در جامعه امروز ما دختران دچار تبعیض‌های بسیاری می‌شوند و به چشم موجودی به آن‌ها نگاه می‌شود که از پس بسیاری از کارها بر نمی‌آیند؛ درحالی که این‌گونه نیست. از طرفی امروزه بین یک مرد و زن با تحصیلات مساوی و شغل یکسان، درآمد زن از مرد کمتر است.» پاسخگوی ۸ از استان خوزستان ۲۳ ساله در خصوص قواعد غیرعقلانی حاکم بر زندگی دختران اظهار می‌کند: «هنجارهای غیرعقلانی نهادینه شده در اندیشه‌ها موجب شده است که ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی دختر، اجباراً تحت سلطه چنین هنجارهایی باشد.»

احساس بی‌عدالتی و تبعیض در بیشتر نمونه‌های مورد بررسی تکرار شده است. تقریباً همه نمونه‌های مورد بررسی به صورت ضمنی و آشکار به این مسئله اشاره کرده‌اند که در زندگی روزمره و اجتماعی با بی‌عدالتی و تبعیض‌هایی مواجه شده‌اند. نابرابری زن و مرد، قوانین سختگیرانه نسبت به زنان، نابرابری حقوق و دستمزد، سوءاستفاده از احساسات، نادیده گرفته شدن توانایی‌های آن‌ها در جامعه و... نمونه‌هایی از این بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌هایی است که دختران در تجربیاتشان به آن‌ها اشاره کردند.

مقوله دیگری که دختران دانشجو در تجربیاتشان بدان اشاره کردند، تصورات نادرست اجتماعی درباره دختران است. آنان مقوله تصورات نادرست اجتماعی از دختران را با این مفاهیم و عبارات توصیف کردند: «ضعیف، وابسته به مردان، جنس دوم، خانه‌داری، ناتوان، هوس‌آلود، احساساتی، توانایی جسمانی کمتر، ترشیده، ناقص عقل، پردردسر، تحت کنترل و مراقبت مردان، امانت.»

برای نمونه پاسخگوی ۱۲ از استان چهارمحال و بختیاری ۲۲ ساله در مورد تصورات نامربوط عمومی به دختران می‌گوید: «جامعه ما لقب ضعیفه را به دختران و زنان می‌دهد که بسیار نامربوط است.» پاسخگوی ۶ از استان لرستان ۲۲ ساله نیز درباره تفکرات عمومی از دختران توضیح می‌دهد: «مردم جامعه ما متأسفانه به دختر به چشم یک دردرس نگاه می‌کنند که بزرگ کردن و نگهداری از او کار سختی است. من به‌عینه مشاهده کرده‌ام که بعضی خانواده‌ها آرزو می‌کنند پسر داشته باشند؛ چون به گمانشان پسر بهتر است. حداقل در تفکر و ذهنیت آنان.» نمونه ۱۱ از استان کردستان ۲۱ ساله نیز بیان می‌کند: «خانواده‌ها و دیگر افراد جامعه فکر می‌کنند دختران امانتی هستند که تا سن خاصی مثلاً ۲۰ سالگی دست پدر و مادرشان هستند و هرطور شده باید آن‌ها را به مردی بدهند که از دخترشان محافظت کند و خودش نمی‌توانند از خودشان مراقبت کنند.» دانشجوی ۱ از استان خوزستان ۲۱ ساله درباره تصورات عمومی درباره دختران این گونه اظهار می‌کند: «تو را به‌عنوان جنس دوم و موجود ضعیفی می‌بینند که برای ادامه حیات به مردان وابسته‌ای.» روایت دیگری از استان فارس (شماره ۱۵) ۲۱ ساله بیان می‌کند: «در ذهن ما نهادینه شده که دختر از پسر کمتر است. درست است که ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم و عصر تکنولوژی است و مثل گذشته نیست که در انجام کار، توانایی جسمانی اولویت اصلی ما باشد، اما هنوز هم بر این عقیده‌اند که زن توانایی انجام بسیاری از کارها را ندارد؛ چون ضعیفه است و نسبت به مرد از لحاظ توانایی جسمانی کمتر است.» پاسخگوی ۱۱ از استان کردستان ۲۱ ساله نیز در مورد این تصورات نادرست از دختران این گونه نتیجه‌گیری می‌کند: «حرف مردم، بسیاری از زنان را از حضور در جامعه منع می‌کند.»

نمونه‌های مورد بررسی، از برخی تصورات نادرست و غلط اجتماعی که درباره دختران رایج است ناراضی و به آن معترض بودند. آنان در تجربیاتشان بیان کردند که بسیاری از افراد جامعه به دختران و زنان به‌عنوان جنس دوم می‌نگرند که نیاز به مراقبت و کنترل دارند. زنان و دختران را افرادی ناتوان و ضعیف و ناقص تصور می‌کنند که وابسته به مردان هستند و بدون مردان نمی‌توانند زندگی خودشان را اداره و مدیریت کنند. این تصورات عمومی اجتماعی مرسوم درباره زنان و دختران به‌شدت موجب محرومیت و محدودیت‌هایی برای زنان می‌شود و زمینه‌ها و توجیهاات لازم برای بی‌عدالتی و تبعیض علیه دختران را فراهم می‌کند.

۳. عاملیت دخترانگی: بیشتر دانشجویان مورد بررسی بر لزوم عاملیت و کنشگری بیشتر دخترانگی در جامعه تأکید داشتند. آن‌ها عاملیت دخترانگی را با این مفاهیم و عبارات توصیف کردند: «توانمند، لایق احترام، مستقل شدن، تلاش و پشتکار، به دنبال پیشرفت و موفقیت، خودآگاهی، احساس مفیدبودن، ارزش قائل شدن به خود و توانایی‌هایشان، جنگیدن برای به رسمیت شناخته شدن، تلاش برای آزادی، به‌دست آوردن حقوق اولیه و طبیعی، قدرت ذهنی حل مسائل، نمایاندن قدرت و اراده.»

برای نمونه پاسخگوی ۹ از استان همدان ۲۰ ساله درباره لزوم عاملیت بیشتر دختران در جامعه اظهار می‌کند: «دختران باید به توانایی‌های خود باور داشته باشند، به خود اعتماد داشته باشند، خود را دوست داشته باشند و در راه رسیدن به آرزوها قوی باشند.» پاسخگوی ۱۰ از استان اصفهان ۲۰ ساله توانمندی دختران را این‌گونه عنوان می‌کند: «طبق تحقیقات، زنان مغزی با عملکرد هزارتو دارند که این نشان از قدرت ذهنی و توانایی آنان در حل مسائل دارد.» همچنین پاسخگوی ۶ از استان لرستان ۲۲ ساله درباره اهداف دختران این‌گونه بیان می‌کند: «امروزه دختران به دنبال پیشرفت در موقعیت خود و رسیدن به موفقیت هستند. آن‌ها هدف دارند، به تحصیل علاقه دارند، به دنبال رسیدن به شغل مورد علاقه خود هستند و دوست دارند مستقل باشند. این دختران با تلاش خستگی‌ناپذیر و سعی فراوان، با وجود تمام سختی‌ها و موانع پیش رو، آرزوها و هدف‌های خود را دنبال می‌کنند.» پاسخگوی ۹ از استان همدان ۲۰ ساله نیز در مورد لزوم خودآگاهی دختران اظهار می‌کند: «با توجه به اینکه دختران امروز، مادران فردا هستند و در تربیت نسل آینده نقش به‌شدت مؤثری دارند، برای ایفای این نقش و پرورش فرزندان موفق، در ابتدا خودشان باید طرز تفکر درستی را دنبال کنند، احساس مفیدبودن داشته باشند و اهمیت نقش و جایگاه خود را درک کنند.» پاسخگوی ۵ از استان لرستان ۲۱ ساله نیز درباره فرصت‌های دختران می‌گوید: «فرصت‌های پیش‌روی دختران، تلاش و پشتکارشان است تا بی‌وقفه و با گذر از موانع پرشمار، مسیر موفقیت را تا رسیدن به قله‌های

پیشرفت و افتخار طی کنند و با نمایان کردن قدرت و اراده خود با وجود سختی‌ها، مهر بطلان بر تمامی این افکار و هنجارهای ناب‌خردانه موجود بزنند.»

بررسی تجربیات زیسته دختران دانشجو گویای آن است که آنان از برخی تصورات نادرست عمومی که در مورد دختران رایج است ناراضی‌اند و برای تغییر و اصلاح برخی تصورات نادرست و کلیشه‌های مرسوم، در پی نوعی عاملیت و کنشگری فعال در عرصه عمومی و اجتماعی هستند. میل به پیشرفت و دستیابی به موفقیت، یکی از موضوعاتی است که به آن اشاره کردند. احساس توانمندی و شایستگی، ارزشمندی و مفید بودن نیز در تجربیات دانشجویان تکرار شده است که نشانه میل به حضور بیشتر در اجتماع و عاملیت و کنشگری بیشتر در ساخت و تغییر قواعد اجتماعی است. دختران مورد بررسی به شدت در پی این بودند که با عاملیت و مداخله بیشتر در جامعه و نمایش توانمندی‌ها و استعدادها به تغییر و اصلاح تصورات نادرست اجتماعی از دختران عمل کنند.

۵. نتیجه‌گیری

ادراک و تجربه از جنسیت، بر اعمال و کنش‌های اجتماعی و روزمره افراد اثر می‌گذارد. این مقاله به بررسی تجربیات زیسته دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از دخترانگی پرداخته است. تجربه و ادراکی که دانشجو معلم دختر دانشگاه فرهنگیان از دخترانگی و زنانگی دارند، بر نقش آموزشی و تربیتی آن‌ها در جامعه و نظام تعلیم و تربیت اثرگذار خواهد بود. دانشجو معلم دختر در سال‌های آتی به عنوان یکی از عاملان تربیتی و آموزشی می‌تواند موجب انتقال و تثبیت هویت جنسیتی دانش‌آموزان دختر شوند یا در جهت تغییر و بازاندیشی قالب‌های جنسیتی عمل کنند. نوع تجربه و ادراک آنان از دخترانگی و زنانگی می‌تواند بر این فرایند تأثیری تعیین‌کننده داشته باشد.

در این مقاله با روش کیفی و براساس رویکرد پدیدارشناسی به بررسی تجربیات زیسته ۲۲ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از دخترانگی پرداخته شد. تجربیات زیسته دانشجو معلم از دخترانگی در سه مضمون ویژگی‌های دخترانگی، مسائل دخترانگی و عاملیت دخترانگی دسته‌بندی شد. در مضمون ویژگی‌های دخترانگی، بیشتر نمونه‌های مورد بررسی بر ویژگی‌های احساسی و رفتاری دختران تأکید کردند. ویژگی‌های احساسی مانند نیاز به مراقبت، توجه و درک شدن، روحیه لطیف و حساس، نیازمند مهر و محبت، صبر و شکیبایی و غمخواری و مهربانی. همچنین ویژگی‌های رفتاری دخترانگی با مفاهیمی نظیر رسیدگی به ظاهر و اندام و انجام برخی رفتارهای کودکانه و توجه به جزئیات و... بیان شده است. ویژگی‌هایی که دختران دانشگاه فرهنگیان برای دخترانگی بیان کرده‌اند، با برخی از تصورات مرسوم از ویژگی‌های احساسی و رفتاری دخترانگی مطابقت دارد و

برخی از نتایج پژوهش‌های ذکایی و قراخانی (۲۰۰۷) و حمزوی عابدی، باقریان و مظاهری (۲۰۱۵) و امیدوارطهرانی، زرانی، نوحه‌سرا، پناغی و ملک‌زاده مغانی (۲۰۲۱) را تأیید می‌کند، اما تفاوت‌های مهمی نیز با برخی از یافته‌های آنان دارد. پژوهش‌های پیشین داخلی مانند ذکایی و قراخانی (۲۰۰۷)، حمزوی عابدی، باقریان و مظاهری (۲۰۱۵) و امیدوارطهرانی، زرانی، نوحه‌سرا، پناغی و ملک‌زاده مغانی (۲۰۲۱) زنان و دختران را موجوداتی منفعل و تأثیرپذیر در مقابل ادراکات و تصورات رایج از زنانگی و دخترانگی حاکم نشان داده‌اند. به عبارت دیگر، نقش کنشگرانه و آگاهانه دختران و زنان در تغییر و اصلاح کلیشه‌های جنسیتی را نادیده گرفته و اشاره‌ای به آن نکرده‌اند؛ درحالی‌که یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد زنان و دختران کنشگرانی منفعل و ناآگاه نسبت به این تصورات و ادراکات مرسوم اجتماعی نیستند و به برخی از تصورات و کلیشه‌های مرسوم و رایج از زنانگی و دخترانگی مانند ضعیف، ناتوان، امانت، وابسته، پردردسر، احساساتی، نیازمند مراقبت و... معترض و منتقد بودند.

در مضمون مسائل دخترانگی، نمونه‌های مورد بررسی، مسائل دخترانگی را با مقوله‌هایی نظیر محدودیت و محرومیت برای دختران، تبعیض و بی‌عدالتی علیه دختران و تصورات غلط اجتماعی نسبت به دختران بیان داشتند. دانشجویان در تجربیاتشان از دخترانگی، به محدودیت‌ها و محرومیت‌های خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اشاره کردند. در مقوله تبعیض و بی‌عدالتی، دختران بر قوانین سختگیرانه و ناعادلانه‌ای تأکید داشتند که بر حقوق اولیه و طبیعی دختران در جامعه اعمال می‌شود. همچنین تصورات غلط و نادرست اجتماعی درباره دختران را با مفاهیمی مانند ضعیف و ناتوان، نیازمند مراقبت و کنترل، امانت، پردردسر، احساساتی و ناقص عقل بیان کردند. ویژگی‌های بیان شده با یافته‌های منتظر قائم و پاک (۲۰۱۶) در خصوص «گفتمان دختران در خطر» همخوان است. به نظر نمونه‌های مورد بررسی، این تصورات نادرست و غلط اجتماعی از دختران موجب محدودیت و محرومیت‌هایی برای دختران شده و زمینه‌های فکری و فرهنگی لازم برای بی‌عدالتی و تبعیض در برخی از حوزه‌ها را برای دختران فراهم ساخته است. دانشجویان مورد مطالعه بیان کردند که در بسیاری از موارد، همچنان تصورات عموم مردم و به‌خصوص جامعه مردان نسبت به دختران و زنان غلط و نادرست است. بیشتر افراد فکر می‌کنند که زنان ضعیف، ناتوان و وابسته به مردان هستند و باید تحت مراقبت و کنترل مردان باشند؛ زیرا همواره در معرض خطر و آسیب قرار دارند و همین تصورات عمومی و مرسوم نادرست است که زمینه سلطه و تبعیض بر زنان و دختران را در جامعه فراهم می‌سازد. بخشی از واکنش‌هایی که نمونه‌های مورد بررسی نسبت به تصورات عمومی از دختران داشتند، بی‌شک تحت تأثیر زیست در دانشگاه و حضور در فضای مجازی است. با حضور در دانشگاه و دسترسی به فضای مجازی، دانشجویان دختر با منابع اطلاعاتی و ارتباطی

بیشتری آشنا می‌شوند. آشنایی با این منابع اطلاعاتی و ارتباطی ممکن است تصورات مرسوم آن‌ها از دخترانگی را به چالش بکشد و ادراکات متفاوتی از دخترانگی را در آن‌ها تقویت کند که با دخترانگی مرسوم تفاوت‌هایی دارد. نتیجه چنین تغییری، واکنش‌هایی است که دختران دانشجوی به تصورات مرسوم از دخترانگی نشان می‌دهند.

در مضمون عاملیت دخترانگی، دانشجویان مورد بررسی بر لزوم کنشگری و مداخله بیشتر دختران در جامعه اشاره کردند. آنان عاملیت دخترانگی را با مفاهیمی مانند توانمندی، توانایی حل مسئله، مستقل شدن، پرتلاش و با پشتکار، جنگیدن برای موفقیت توصیف کردند. به نظر می‌رسد این احساس عاملیت و کنشگری در بین دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان بیشتر از دانشجویان دانشگاه‌های دیگر است؛ زیرا دانشجویان این دانشگاه از امنیت شغلی و حقوق ماهانه برخوردارند که نوعی استقلال اقتصادی و شأن اجتماعی را برای آن‌ها فراهم می‌سازد. برخورداری از استقلال اقتصادی و شأن اجتماعی در میان دختران دانشگاه فرهنگیان موجب تقویت عاملیت و کنشگری اجتماعی آنان می‌شود و خواهان مداخله بیشتر در ساحت و روابط موجود اجتماعی می‌شوند. این نتایج، یافته‌های یعقوبی و مقدس (۲۰۱۷) را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد دختران از زنانگی سازگار و مطیع به زنانگی تلفیقی و مقاوم در حال تغییر هستند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ذهنیت دختران درباره برخی از تصورات قالبی و کلیشه‌ای که از «دختر خوب» رایج است در حال تغییر است و آنان نوعی مقاومت و مداخله فعال در برابر تغییر و اصلاح برخی از تصورات عمومی از دخترانگی دارند. همان‌طور که یافته‌های سهراب‌زاده، نیازی و موحد (۲۰۲۰) نشان می‌دهد، افزایش تحصیلات زنان، اشتغال زنان و دسترسی به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی موجب تغییر ذهنیت زنان و دختران از زنانگی و دخترانگی شده و موجب نوعی بازاندیشی هویت جنسیتی در زنان و به‌خصوص دختران جوان شده است. از این‌رو می‌توان زنان و دختران ایرانی را یکی از عاملان تغییر و تحول در سال‌های آتی جامعه ایران به حساب آورد.

این تغییر ذهنیت و ادراک از دخترانگی موجب تمایل آن‌ها به حضور بیشتر در فضاهای عمومی شده و خواهان کنشگری و عاملیت در نهادها و حوزه‌هایی هستند که سرنوشت اجتماعی آن‌ها را در جامعه رقم می‌زند؛ بنابراین لازم است این خواست و تقاضای اجتماعی به رسمیت شناخته شود و مورد توجه سیاست‌گذاران عمومی، فرهنگی و آموزشی قرار گیرد. همچنین باید زمینه‌ها و شرایط لازم قانونی و ساختاری برای حضور عادلانه و برابر این گروه اجتماعی در حوزه‌های عمومی و مدنی فراهم شود. ایجاد مانع و تدوین و تصویب قوانین و سیاست‌هایی که موجب محدودیت و تبعیض علیه زنان شود، نه تنها این خواست و تقاضای اجتماعی را خاموش نخواهد کرد، بلکه موجب گرایش و

رجوع زنان به جنبش‌های فمینیستی و بیگانه‌ای را فراهم خواهد ساخت که سختی با نظام اعتقادی و فرهنگی بومی جامعه ما ندارند.

نیمی از جامعه ما را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. یکی از روش‌هایی که به فهم و شناخت جامعه زنان کمک می‌کند، بررسی تصورات و ادراکات زنانگی و دخترانگی در بخش‌های متنوعی از جامعه زنان و دختران جامعه است؛ بنابراین بررسی زنانگی و دخترانگی در میان گروه‌های مختلف زنان می‌تواند فهم دقیق‌تری از تحولاتی را که در حوزه زنان در حال رخ دادن است ممکن سازد. در پایان پیشنهادهای پژوهشی زیر برای پژوهش‌های آتی در این حوزه ارائه می‌شود:

۱. بررسی مقایسه‌ای ادراک زنانگی و دخترانگی در میان طبقات اجتماعی مختلف (با تأکید بر طبقات کارگری و طبقات فرودست اجتماعی)؛
۲. بررسی زنانگی در میان نسل‌های مختلف زنان؛
۳. بررسی زنانگی در میان زنانی که زودتر از سن قانونی ازدواج کرده‌اند؛
۴. بررسی زنانگی در میان زنان طلاق‌گرفته و مقایسه آن با زنان متأهل؛
۵. بررسی زنانگی در میان زنان خودسرپرست؛
۶. بررسی زنانگی در میان دختران ازدواج‌نکرده بالای ۴۰ سال؛
۷. بررسی زنانگی در میان زنان بزهکار (ناپهنجار).

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- Alemdaroğlu, A. (2015). Escaping femininity, claiming respectability: Culture, class and young women in Turkey. *Women's Studies International Forum*, 53, 53–62. <http://dx.doi.org/10.1016/j.wsif.2015.09.006>
- Amini, S., & Moghimi, F. (2020). The state of felicity Zanjan's citizens and feminine and masculine values. *Journal of Gender And Family Studies*, 8(1), 107-129. (In Persian).
- Bicheranloo, A., Salavatian, S., & Lajevardi, A. (2019). A representation of lifestyle of Iranian young women. *Cultural Studies & Communication*, 15(56), 112-140. (In Persian). <https://doi.org/10.22034/jcsc.2019.37357>
- Bodlai, H. (2018). *Phenomenology Research Method*. Tehran: Andisheh Ehsan Press. (In Persian)

- Break Well, M. (1990). *Social beliefs about gender differences in Colin Fraser and Gorge Gaskell*. The Social Psychological Study of Widespread beliefs, Oxford: Clarendon Press.
- Castells, M. (2003). *The information age, economy, society, and culture (The power of identity)*. Tehran: Scientific and cultural publications. (In Persian)
- Connell, R.W. (1995). *Masculinities*. Cambridge. London: Polity Press.
- Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches*. SAGE Publications. (In Persian)
- Durkheim, E. (1997). *Education and Sociology*. Translated by A. Mohammad Kardan, Tehran: Tehran University press. (In Persian)
- Giroux, H. (1985). *Teachers as intellectuals: Toward a Critical pedagogy of learning*. New York: Bergin & Garvey.
- Giddens, A. (1989). *Sociology*. London: Polity Press.
- Godarzi, M. (2015). *Women's attitude to family norms and gender awareness, An analysis of the findings of the national survey, report on the status of women in Iran*. Tehran: Ney Press. (In Persian)
- Ghaderzadeh, O., & Rezazadeh, F. (2020). A Study of the Lived Experience and Perception of Women from Participation in Civic Associations. *Sociology of Social Institutions*, 6(14), 63-96. <https://doi.org/10.22080/ssi.2020.15416.1535> (In Persian).
- Hamzavi Abedi, F., Bagherian, F., & Mazaheri, M. A. (2015). Investigating young Iranian women's understanding of femininity norms. *Social Cognition*, 4(1), 84-96. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23223782.1394.4.1.6.9> (In Persian).
- Kachel, S. Steffens, M. C. & Niedlich, C. (2016). Traditional Masculinity and Femininity: Validation of a New Scale Assessing Gender Roles. *Frontiers in Psychology*, 7, 935-956. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.00956>
- Kelly, M., Inoue, K., Barratt, A., Bateson, D., Rutherford, A., & Ritchers, J. (2016). Performing femininity: Female agency and role in sexual life and contraceptive use-a qualitative study in Australia. *Culture, Health & Sexuality*, 19(2), 240-255. <https://doi.org/10.1080/13691058.2016.1214872>
- Lafrance, M. N. (2011). Reproducing, resisting and transcending discourses of femininity: a discourse analysis of women's accounts of leisure. *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*, 3(1), 80-98. <https://doi.org/10.1080/19398441.2010.541929>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. London: SAGE.
- Montazar Ghaem, M., & Pak, H. (2016). Narrative Analysis of Girlhood in Three TV Serials: Briadcasted during 1990s, 200s and 2010s. *Sociology Review*, 22(2), 9-38. <https://doi.org/10.22059/jsr.2016.57034> (In Persian).

- Mohammadiasl, A. (2017). *Qualitative research method in social sciences*, Tehran: Varjavand Press. (In Persian)
- Omidvar Tehrani, A., Zarani, F., Nohesara, S., Panaghi, L., & Malekzadeh Moghani, M. (2021). Perception of femininity in different countries: a qualitative metasynthesis. *Journal of Psychological Science*, 20(103), 1015-1038. <http://dx.doi.org/10.52547/JPS.20.103.1015> (In Persian).
- Polkinghorne, D. E. (1989). Phenomenological Research Methods In R.S. Valle & Shelling (eds.). *Existential Phenomenological Perspectives in Psychology*. New York: Plenum Press.
- Shea, M., Wong, Y., Wang, S., Sherry Wang, S., Jimenez, V., Hickman, S., & LaFollette, J. (2014). Toward a constructionist perspective of examining femininity experience: the development and psychometric properties of the subjective femininity stress scale. *Psychology of Women Quarterly*, 38(2), 275-291. <https://doi.org/10.1177/0361684313509591>
- Sohrabzadeh, M., Shoa, S., Niyazi, M., & Movahed, M. (2020). Rethinking feminine gender roles and their related cultural and social determinants (a case study of married women in Shiraz). *The Women and Families Cultural- Educational*, 14(49), 87-111. (In Persian).
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research, grounded theory, procedures, and techniques*. London: SAGE.
- Van Manen, M. (1990). *Researching lived experience: human science for an action-sensitive pedagogy*. London: Ontario.
- Yaghoobi, A. (2014). *Theories of masculinity: with an emphasis on the sociological approach*. Tehran: Pezhvak. (In Persian)
- Yaghoobi, A., & Moghaddas Yazdi, H. (2017). Femininity typology and girl students (Case study: students of Guilan University). *Women in Development & Politics*, 14(4), 513-533. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2016.60967> (In Persian)
- Zajdow, G. (2007). *The gender order. in Public sociology: an introduction to Australian society*. Sydney: Allen & Unwin.
- Zokaei, M. S. (2019). *The Art of conducting qualitative research from problem-solving to writing*. Tehran: Agah. (In Persian)
- Zokaei, M. S., & Gharakhani, M. (2007). Young girl and feminity (a study on girl in high schools of Tehran). *Woman in Development & Politics*, 5(1), 59-82. (In Persian)
- Zinn, M. B., Hondagneu-Stelo, P., & Messner, M. A. (2011). *Gender Through The Prism of Difference*. New York: Oxford University Press.